

نقش‌ها و یادها

سازنده بناهای ماندگار ایران کیست؟

مرداولین‌ها



پرویز براتی

■ هوشنگ سیحون را همگان بابت طراحی و ساخت آرامگاه بزرگانی چون ابوعلی سینا،نادرشاه،کمال‌الملک، کلل محمدتقی پسیان، بنای موزه شهر توس و ساختمان بانک سپه در میدان توپخانه می‌شناسند. با این حال نقش هوشنگ سیحون در صحنه و عرصه هنر و معماری معاصر ایران بسیار بیشتر از طراحی و اجرای این چند دایمان و سازه است. تأثیری که او به عنوان استاد وریس دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران بر شاگردان بی‌شمار خود داشته، تنها یکی از مصادیق این نقش مهم است.
کروکی کردن یا طراحی پیش از انجام معماری فرآیندی است که هوشنگ سیحون متکثر آن بوده. هرگز پیش از مهندس سیحون که از کودکی به نقاشی و طراحی می‌پرداخته چنین رسمی رایج نبوده و امروزه هم در مدارس معماری ایران از کروکی کردن طرح به عنوان یکی از تکنیک‌های ضروری معماری استفاده می‌شود. هوشنگ سیحون متولد ۱۲۹۹ در تهران و در خانواده‌ای اهل موسیقی است. پدر بزرگ او میرزا عبدالله فراهانی بنیانگذار موسیقی سنتی معروف به پدر موسیقی سنتی ایران بوده است. مادرش، مولود خاتم، از نوازندگان تار و سه‌تار و احمد عبادی استاد بزرگ سه‌تار نیز دایی سیحون است. او پس از پایان تحصیلات معماری در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، به دعوت آندره گدار (رئیس اداره باستان‌شناسی وقت ایران) برای ادامه تحصیل به فرانسه می‌رود و در دانش‌سرای عالی هنرهای زیبای پاریس (بوزار) به مدت سه سال تحت تعلیم «اوتلو زاورونی» به تکمیل فراگیری هنر معماری می‌پردازد و در سال ۱۹۴۹ با درجه دکتری هنر از این دانش‌سرا فارغ‌التحصیل می‌شود، او در بازگشت به ایران در ۲۳سالگی نخستین اثر معماری خود را که بنای یادبودی بر مزار بوعلی سینا بوده است، طراحی می‌کند. سیحون در طول سال‌ها فعالیت هنری و فرهنگی، عضو شورای ملی باستان‌شناسی، شورای‌عالی شهرسازی، شورای مرکزی تمام دانشگاه‌های ایران و کمیته بین‌المللی ایکوموس (Icomos) (وابسته به یونسکو در پیش از انقلاب) بوده و به مدت ۱۵ سال مسئولیت مرمت بناهای تاریخی ایران را برعهده داشته است. این معمار سال‌ها به تدریس در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران اشتغال داشته و یک دوره هم به ریاست این دانشکده رسید. او در کنار پروژه‌هایی که در بالا نام برده شده، طراحی ساختمان‌های سازمان نقشه‌برداری



آرامگاه کمال‌الملک

کل کشور، کارخانه نیرویسی کوروس اخوان، کارخانه آرد مرشدی، مجتمع آموزشی باخچی‌آباد، سینما آسیا، سینما سانتزال، کارخانه کلانادارای (مزمز فعلی) در تهران و اهواز، کارخانه یخ‌سازی کورس اخوان و حدود ۱۵۰ پروژه مسکونی خصوصی را بر عهده داشته است. سیحون طراحی است که در دنیای ابداع، از معانی پررمز و راز باطن، سخن به میان می‌آورد و معانی و فلسفه نظری و وجودی بزرگانی که او معمار و طراح آرامگاه آنها بوده است، در نقش‌های بناهای یادبودی که بر مزار آنها ساخته است، به خوبی نمایان است. به عنوان مثال در ۱۳۳۸، هوشنگ سیحون آرامگاه حکیم عمر خیام را بر مبنای اصول ریاضی و هندسی خیام، محاسبه و طراحی کرده است. او در کتاب «نگاهی به ایران» خود در مورد بنای آرامگاه نادر شاه افشار می‌نویسد: «ماده اصلی ساختمان از سنگ خاری منطقه کوهسنگی مشهد، مشهور به سنگ هر کاره است. این سنگ یکی از مقاوم‌ترین سنگ‌هایی است که در ایران وجود دارد.» وی دلیل این انتخاب را «هرچسته کردن صلابت و عظمت نادر شاه افشار» می‌خواند و در ادامه این مطلب می‌نویسد: «شکل کلی و مقبره نادر به شکل شش‌ضلعی متناسبی است که شکل سپاه چادرها را در تماشاگر بنا تداعی می‌کند، دلیل این امر هم این نکته است که نادر به جای کاخ در زیر چادر زندگی می‌کرد.»

سیحون در طول سال‌ها در کنار معماری، به نقاشی از مناظر و روستاهای ایران نیز می‌پرداخت و نماینده‌هایی از این بخش از آثار خود در ایران و کشورهای دیگر جهان برپه کرده است. آثار وی در نمایشگاهی در دانشگاه ماساچوست در سال ۱۹۷۲ در کنار آثار هنرمندانی چون پیکاسو و سالوادور دالی قرار گرفت. یکی از آثار هوشنگ سیحون که در این نمایشگاه ویژه به نمایش گذاشته شد، تابلویی از «کلاف‌های خطی» این هنرمند بود که در آن سیحون از شیوه ابداعی و بی‌سابقه‌ای از خطوط مسواری و پرپیچ و تالی که هیچ‌گاه یکدیگر را قطع نمی‌کنند، استفاده کرده‌بود. مجموعه‌ای از آثار نقاشی هوشنگ سیحون که توسط دانشگاه‌های هاروارد و برکلی گردآوری شده است هم‌اکنون در این موسسات فرهنگی نگهداری می‌شود.

ادامه از صفحه۹

به فکرمی‌کنید با رشد علوم و به‌خصوص علم کامپیوتر، بشر در آینده نیز به چیزی به نام معمار نیاز خواهد داشت؟

آنچه که تاریخ کهن و معاصر به ما نشان می‌دهد این است که انسان در تمام ادوار زندگی خود به چیزی به‌نام معماری نیاز داشته است. حال اگر یک تکنولوژی خیلی پیشرفته‌ای در اختیار بشر قرار گرفت دلیل نمی‌شود که دیگر احتیاجی به معماری و معمار نداشته باشیم. کامپیوتر به خودی خود خالق علم و هنر نیست بلکه براساس داده‌هایی که بشر سازنده کامپیوتر در اختیارش می‌گذارد عمل می‌کند. همان بشری که این داده‌ها را در ارتباط با معماری در اختیار کامپیوتر گذاشته، همان معمار است. چون بدون برخورداری از علم و دانش معماری و تکنیک ساختمان‌سازی نمی‌توان اطلاعات مبنایی را به کامپیوتر داد. تفاوت در این است که با استفاده از داده‌ای از پیش تعیین ثلین‌شده در حافظه کامپیوتر، معمار می‌تواند سریع‌تر و دقیق‌تر و با کیفیت بهتر به اهداف خود برسد. یعنی اینکه در هر صورت کامپیوتر یک تکنیکی است در خدمت معماری و نه معماری در خدمت کامپیوتر.

اگوست پره، معمار بزرگ فرانسوی می‌گفت: آنچه که فضا را اشغال می‌کند (خواه یک ماشین باشد یا یک چنگال، یا یک صندلی یا یک ساختمان) در حیطه عمل و اقتدار یک معمار است. پس کامپیوتر نیز که امکاناتی برای سهولت در انجام کارها در اختیارمان می‌گذارد نیز در حیطه خلاقیت و اقتدار معمار است.

■ **حال سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا در آتیه ممکن است که کامپیوتر همه وظایف یک معمار را انجام دهد،‌اعم از اینکه معلومات را بگیرد و تجزیه و تحلیل کرده و طرح و پلان و راه‌حل را خودش آرایه دهد؟ و دیگر فردی یا فکری یا دستی به‌عنوان معمار در آن دخالت نداشته باشد؟**

من فکر می‌کنم این امر با توجه به رشد تکنولوژی و علوم امکان‌پذیر است نه‌تنها در رابطه با معماری بلکه در رابطه با سایر حرفه‌ها هم به همین صورت است. آریا در آن حالت تمام مشخصاتی که یک اثر معماری صدرصد ماشینی خلق می‌کند با آنچه دست‌ها و مغز یک انسان خلق می‌کند، یکسان خواهد بود؟ مطمئناً این‌طور نیست ولی بحث اصلی این است که کامپیوتر خودش خالق خودش نیست و خلق‌الساعه نیز به وجود نیامده است که آن را داده‌ای مینا می‌گویند. این داده‌ها از ذهن یک انسان که حکم معمار را دارد خارج شده است، پس باز روح انسان در آن وجود دارد. مصرف‌کننده کامپیوتر اگر خودش نیز معمار نباشد بالاخره از مجموعه معلومات و داده‌های یک معمار دیگر در کامپیوتر است که موفق به دریافت طرح و راه‌حل می‌شود ולאغیر.

■ **به‌طور کلی تحولات و تغییرات سیاسی واجتماعی چه تأثیری می‌تواند روی هنر معماری داشته باشد؟**

هر تحول و هر انقلاب و هر حرکتی، چه سیاسی، چه اجتماعی، چه اقتصادی بی‌شک در امر معماری تأثیرگذار است. به لحاظ اقتصادی باید گفت اقتصادباید مهم‌ترین نقش را در معماری بازی می‌کنند. باید بودجه کار ساختمانی مهیا باشد تا بتوان آن را اجرا کرد وگرنه بدون تأمین کافی مالی، کار معماری لنگ خواهد شد. در فرانسه یک اصطلاح عامیانه وجود دارد که می‌گویند: «وقتی ساختمان‌سازی از دست برود، همه چیز از دست می‌رود.» یعنی شاخص یوپویی اقتصاد کشورها در میزان ساختمان‌سازی است که در آن مملکت جریان دارد. سیاست، البته با این دید و این امید که سیاست کشورها در جهت رفاه جامعه قدم بردارد، بی‌شک روی مقوله معماری تأثیر گذار است. سیاست دولت‌ها با اقتصاد ارتباط پیدا می‌کند. با چه سیاستی چه مسیر اقتصادی‌ای در یک جامعه پیش گرفته شود که ساختمان‌سازی رونق پیدا کند. پس هر نوع تحول سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یک خطمشی خاصی را به معماری دیکته می‌کند. فرض کنید یک وقت جامعه یک جامعه کارگری است و دولت متعهد است که برای گروه‌ها و طبقات وسیع کارگران و زمینکنان ساختمان‌سازی کند، مثل شوروی سابق. در این حالت نوع ساختمان‌سازی و معماری شکل خاصی به‌خودش می‌گیرد. یک موقع سیاسی هست بر مبنای سیستم سرمایه‌داری که در نتیجه یک سبک معماری دیگری را ایجاد می‌کند که به کلی با آن قبلی فرق دارد، مثل آمریکا و اروپا. یک موقع یک سیاسی براساس دید و سلیقه یک دیکتاتوری خاصی عمل می‌کند که آن نیز شکل به‌خصوصی به‌خودش می‌گیرد؛ نمونه بسیار گویایی آن در زمان هیتلر و موسولینی در آلمان و ایتالیا بود که بر پایه ایندئولوژی فاشیسم با زور می‌خواستند یک سبک خاصی از معماری را که اصطلاحاً به معماری فاشنیسم معروف شد را تجویز کنند که البته به دلیل اینکه این سبک معماری خودجوش نبوده و از بطن جامعه برنخاسته بود، بنابراین پایدار نبود و با سقوط فاشنیسم از بین

رفت. آنها می‌خواستند معمار طوری طراحی و اجرا کند که مکتب نازیسم و فاشنیسم را منعکس کند. پس می‌بینیم که معماری با تمام مسایل و تحولات یک جامعه ارتباط پیدا می‌کند و به عبارت دیگر، زبان گویای حالات روحی و فکری یک جامعه است.

■ **آیا هنر معماری می‌تواند به‌طور مجزاً از تحولات اقتصادی واجتماعی مورد ارزیابی قرار گیرد یا اینکه یک رابطه تنگاتنگ با آن دارد؟**

نه هنر معماری و نه هیچ نوع هنری نمی‌تواند جدای از جامعه باشد. این جامعه است که هنر خود را به وجود می‌آورد و این جامعه است که معمار خود را به وجود می‌آورد. منتها هنرمند و معمار کنترل‌کننده و جهت‌دهنده است و هنر را در کنالای که در انطباق با علم و دانش خاص آن هنر باشد، جهت می‌دهد. به هرحال اینها مربوط به جامعه است و ارتباط تنگاتنگ با جامعه دارد. برای همین معماری بر پنج

معماری

معماری زبان گویای یک جامعه است



عکس قدیمی از هوشنگ سیحون(وسط) در کنار آرامگاه ابن‌سینا

شاخات استوار است: زیباشناسی، جامعه‌شناسی، علم‌شناسی، رفتارشناسی و تکنیک‌شناسی.

معماری نمی‌تواند از خلیقات، سنتن، آداب و رسوم و فضا و جو مردم جدا باشد. اما از طرف دیگر، خود معماری یک هنر انتزاعی است برای اینکه معماری یک پدیده فیکوراتیو (تجسمی) نیست بلکه یک هنری است که با اجزایی و عواملی ساخته می‌شود که این عوامل هیچ‌کدام عوامل فیکوراتیو نیستند، مگر اینکه برگردیم به معماری خیلی قدیم. فرض کنید معماری یونان قدیم: آنجا می‌بینیم که به جای ستون، انسان‌هایی را گذاشته‌اند که بار را روی سرشان حمل می‌کنند. اینجا حالت فیکوراتیو را به‌هم می‌زند. ولی این یک استثنای خاص معماری قدیم یونان است. یک نمونه دیگر را در پاریس می‌بینیم که زیر بالکن‌هایی آدم‌هایی هستند که با فشار این بالکن را روی سرشان نگه داشته‌اند. البته در اصل خود این آدم‌ها تکیه‌گاه‌هایی هستند که از طریق معماری یک وزنی را حمل می‌کنند. ولی هنرمند این تکیه‌گاه را به صورت انسان درآورده و به آن حالت فیکوراتیو داده است. اما معماری اساساً این‌طوری نیست که به صورت چهره‌نگاری باشد و برعکس بیشتر اجزا و عوامل معماری حالت سمبلیک (نمادین) دارند به طور مثال در کلیسای نوتردام پاریس با کلیسای شهر ایمان (واقع در شمال فرانسه) می‌بینیم که یک حالت سرکشیدن به آسمان دارند. معماری با این حالت سمبلیک و رو به آسمان، این سیمل (نماد) را بیان می‌کند که روح و درون انسان‌هایی که در آن کلیسا مراسم مذهبی انجام می‌دهند، به طرف آسمان است. این یک موضوع صدرصد سمبلیک است. پس هنر معماری از مردم منتزع و جدا نیست ولی خودش یک هنر انتزاعی است و چیزهایی را به‌طور خاص پاسخ می‌دهد که جوابگوی افکار غیرفیکوراتیو و غیرجسمانی انسان‌هاست و جنبه فکری و منافی‌زکی دارد، همانند بناهای یادبود، آرامگاه‌ها و اماکن مذهبی.

■ **رابطه هنر معماری با خصوصیات جغرافیایی، آب و هوا و شرایط اقلیمی هر منطقه‌ای چیست و آیا اساساً رابطه‌ای وجود دارد؟**

پاسخ این سوال به هویت ملی ملت‌ها برمی‌گردد. ملت‌ها از نظر جغرافیایی برای خودشان یک مشخصاتی دارند، خواه مشخصات مکانی و خواه مشخصات سنتی و فرهنگی. شرایط اقلیمی و جغرافیایی یک اصل و عامل مهم در شکل‌گیری ساختمان و معماری است. هر کسسی در هر جایی بخواهد ساختمانی بنا کند، طبیعا و بدون شک باید توجه کند به اینکه در آنجا شرایط جغرافیایی، سرما و گرما، زاویه تابش آفتاب، میزان بارندگی، یخبندان و غیره چگونه است.

اضافه بر شرایط جغرافیایی، شرایط‌جامعه و جامعه‌شناسی هر منطقه هم هست. هر جامعه‌ای در هر منطقه‌ای برای خود خلیقات، سنتن، آداب و رسوم و فرهنگ خاص خود را دارد که مربوط به گذشته‌های تاریخی و طرز زندگی حال او می‌شود که باز همه اینها بی‌ارتباط با آب و هوایی که در آن زندگی می‌کند، نیست. نحوه لباس پوشیدن ساکنان قطب شمال با نواحی استوایی فرق دارد. همین‌طور در ایران براساس تفاوت‌های اقلیمی نحوه لباس پوشیدن و زندگی در نواحی سردسیر و کوهستانی با نواحی کوبری و گرمسیر تفاوت آشکار دارد.

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰

در ایران به دلیل فلات مرتفعی که داریم و مقدار زیادی آفتاب در سال و در نتیجه، گرمای شدید تابستان و سرمای شدید زمستان باعث شده که ساختمان‌ها رو به جنوب ساخته شوند که اصطلاحاً به آن رو به قبله می‌گویند و این تبدیل به یک سنت فرهنگی خاص از است. بنابراین همان‌طوری که فرهنگ ملت‌ها انعکاس خود را در معماری داشته و دارد، شرایط اقلیمی و جغرافیایی نیز تأثیر مستقیم روی معماری دارد.

■ **یک معمار تا چه حد باید از تکنیک‌های خاص ساختمان‌سازی و محاسبه و طراحی اسکلت و به‌اصطلاح فرنگی «استراکچر» (۲) اطلاع داشته باشد؟ آیا این امور را باید برای مهندس ساختمان گذاشت یا معمار نیز باید در این موارد مهارت و تبحر داشته باشد؟**

یک معمار حکم که رهبر را کستر را دارد. کسی که طراح یک ساختمان است مثل یک سازنده آهنگ و یک رهبر ارکستر باید اطلاعاتی راجع به همه سازها داشته باشد و بنابراین باید به همه عواملی که مربوط به ساختمان و همه ابزار و وسایل بیان آن از جمله استراکچر، نه در حد تخصصی، بلکه آشنایی کافی داشته باشد. به هر حال یک معمار وقتی که طرح یک ساختمان را می‌دهد باید بداند که طرز اجرای آن چه‌چیز باشد و بعد برای محاسبه رجوع می‌شود به مهندس محاسب که او به‌طور دقیق و باز براساس نظر معمار محاسبه کند. همین‌طور در زمینه‌های سیستم‌های الکتریکی و مکانیکی، دکوراسیون، نماسازی، سیستم‌های گرم و سردکننده و غیره باید آشنایی

مساله روح و حال و هوای هنسری را در آنها رعایت کرد بدون اینکه از مرز حداقل هزینه خارج نشد؟

این دیگر مربوط به جبر زمان است. ما به رای‌العین می‌بینیم که جمعیت دنیا روز به روز در حال افزایش است. تراکم جمعیت به‌خصوص در نواحی شهری رو به تزاید است. نمونه گویای آن میهن ماست که در فاصله ۱۵ سال پس از انقلاب جمعیت آن دو برابر شد. روشن است برای حل مسکن این جمعیت انبوه، راه‌حل تولید انبوه مورد توجه دولت‌ها و شرکتهای خصوصی ساختمانی قرار بگیرد. ما در زمانی زندگی می‌کنیم که همه چیز جنبه تکنیکی به خودش گرفته است. بدنه‌ها و قطعات ساختمان در کارخانه‌ها ساخته شده و به فاصله کوتاهی سوار می‌شوند. اجزا و عوامل ساختمانی حالت استاندارد به خودش گرفته است. حتی گچبری و آینه‌کاری استاندارد و قالبی ساخته شده که فقط باید روی دیوار و سقف نصب کرد. متأسفانه این بناهای پیش‌ساخته آن روحی را که از قدیم بود، ندارند به دلیل اینکه ماشین در آن دخالت می‌کند. البته دست انسان نیز دخالت دارد ولی ماشین نقش اصلی را بازی می‌کند.

پدیده ماشینیسیم در اکثر ابعاد زندگی بشر شهرنشین وارد شده است. اینکه انسان‌ها ماشینی زندگی کنند، ماشینی راه بروند، ماشینی خرید کنند، ماشینی بخورند، ماشینی بخوابند، ماشینی کار کنند. این سبک انسان را از حالت انسانیتش دور می‌کند. آن ساختمان‌سازی ماشینی و پیش‌ساخته یا زندگی در کاروان‌های فلزی نیز به دور از روح و احساس انسانی است. درست است که ماشین زاییده خود انسان و فکر انسان است ولی یک مطلب مهم‌تری نیز هست و آن اینکه معماری تنها ساختمان و در و دیوار و سقف نیست که نه روح داشته باشد، نه زبانی و نه احساس، اینجاست که باز نقش معمار مطرح می‌شود. نمی‌شود جلو روند تولید انبوه را گرفت و اساساً این فرضیه با مقتضیات زمان و الزامات زندگی شهری و شهرنشینی جور در نمی‌آید ولی حال که مسکن به این شیوه ساخته می‌شود و خرج خاص خود را نیز برمی‌دارد، چه بهتر که ایده‌آل باشد. ایده‌آل نه لزوماً از نظر مساحت و حجم، بلکه در رعایت شئون و جنبه‌های انسانی در آنها و این امر امکان‌پذیر نیست مگر اینکه معمار مسوول و دلسوز وارد کار شده و دستگاه‌های اجرایی این زمینه و راهگشایی را ایجاد کنند که معمار در طراحی این قطعات پیش‌ساخته دخالت کند تا آن حالت بی‌روح و صدرصد ماشینی خارج شود. باز مسوولیت بیشتر به صاحبان سرمایه و برنامه‌ریزان و ادارات مسوول حکومتی برمی‌گردد که مقرراتی را در این رابطه اعمال و صنایع پیش‌ساخته را ملزم به رعایت یکسری اصول و قواعد معماری کنند.

پی‌نوشت:

1.Architecture / 2.Structure

عمودی:

۱- دوره پیش‌دبستانی- نامی دخترانه- مادر وطن
۲- باران آندک- اتاق پدرایی- از بیماری‌های عمده
۳- آشیانه پرند- تمدنی باستانی در آمریکای مرکزی- غارت
۴- رقتن نه با شتاب- باطل- سوره‌ای در قرآن کریم
۵- کمبسیون اقتصادی- سنجدین دو چیز- یکی از دو جنس
۶- پاره- اندیشمند- باافزار
۷- حرف انتخاب- پارچه روپوشی- نتی در موسیقی- پند و آموزه
۸- فدیبه- سدی

۱۰- بوسه آبدار- رفیق ترکی- شهر و تیم فوتبالی در کرمانی- دانشمند و پزشک آمریکایی که تحقیقاتش در مورد روش‌های تجربی بی‌حسی قابل تمجید است
۱۰- بوسه آبدار- رفیق ترکی- شهر و تیم فوتبالی در فرانسه
۱۱- فیلسوف شهیر انگلیسی- پرنده‌ای از تیره زاغ‌ها- بانگ و آواز
۱۲- از ظروف پر مصرف آشپزخانه- به زودی- رطوبت
۱۳- فال نیک- بزرگ‌ترین عضو درونی بدن- عابد گوشه‌نشین
۱۴- طایفه چادرنشین- لعنت- خط نماد
۱۵- همبازی پت- سخت و دشوار- نقاشی متحرک

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰

در ایران به دلیل فلات مرتفعی که داریم و مقدار زیادی آفتاب در سال و در نتیجه، گرمای شدید تابستان و سرمای شدید زمستان باعث شده که ساختمان‌ها رو به جنوب ساخته شوند که اصطلاحاً به آن رو به قبله می‌گویند و این تبدیل به یک سنت فرهنگی خاص از است. بنابراین همان‌طوری که فرهنگ ملت‌ها انعکاس خود را در معماری داشته و دارد، شرایط اقلیمی و جغرافیایی نیز تأثیر مستقیم روی معماری دارد.

■ **یک معمار تا چه حد باید از تکنیک‌های خاص ساختمان‌سازی و محاسبه و طراحی اسکلت و به‌اصطلاح فرنگی «استراکچر» (۲) اطلاع داشته باشد؟ آیا این امور را باید برای مهندس ساختمان گذاشت یا معمار نیز باید در این موارد مهارت و تبحر داشته باشد؟**

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰

ادامه از صفحه ۱۱

ما هنر مند می‌مانیم

شاید این دیگران همان‌هایی باشند که برایشان با اتوبوس تماشاسگر می‌آورید و از آنها پذیرایی می‌کنید؛ و صد اینکه منیژه حامدی اسم دارد و و این اسم را به آسانی به‌دست نیاورده بلکه حاصل سال‌ها کار در تئاتر، تحصیلات، تدریس، ترجمه، نوشتن، مطالعه و زحمت و کار فراوان بوده است و این اسم امضایی دارد که تماشاسگر تشخیص می‌دهد و قیمت‌گذاری می‌کند نه مسوولان. چه می‌شود کرد از حافظه فراموشکل آدمی؛ روزی که به شورای حمایت آدمم چون هیچ چیز راجع به بلایی که به سرکار و اعصاب آورده بودید به آنها نگفته بودید و مجبور به توضیح شددید، آنها نیز تعجب کردند اما خب شما و آشنایی که غریبه است ذهن آنها را به سمتی بردید که باور ندارند نمایش من ارزش ندارد. به یاد می‌آورید که در آن اتاق ریاست به همه شما، شورا و آن آشنا... چه گفتم... این اتاق خیلی چیزها به خود دیده، من هم در این اتاق خیلی چیزها دیدم.



همه شما می‌روید، اما ما هنرمندان هستیم

در قسمت دیگر از مصاحبه‌تان فرمودید آیا آن شخص که روی صحنه یک دقیقه حضور داشته و از طرف صحنه به آن طرف رفته یا آنکه دو ساعت روی صحنه بود هر دو جزو گروه اول بودند باید یکسان دستمزد بگیرند؟ چي گفتين؟!
بله، شاید هم بیشتر. بستگی به ارزش واهمیت آن بازیگر دارد و به پیشکسوتی و تجربه او چگونه خود را تئاتری می‌دانید که این‌گونه حرف می‌زنید و قضاوت می‌کنید. البته اگر راجع به ۹۰میلیون گروه پیوند حرف می‌زنید که ما هم چنین بازیگری نداشتیم و ۱۴نفر مسولم در صحنه بودند، ما بازیگرهایی با ۴۰ سال سابقه روی صحنه داشتیم که شما آنها را به هیچ گرفتید و حق‌شان را پامال کردید.
در اینجا لازم می‌دانم به تیتَر «شرق» اشاره کنم که با انتخاب جمله «مجزوهای صادره دایمی و قطعی» نیست واقعیت تلخی را برجسته کرد. به این ترتیب، خبرنگار محترم توانست نتیجه واقعی و برگرفته از این مصاحبه را به ذهن جمعی مخاطبانش بپسپارد.

در استان آذربایجان شرقی ۹- آتشفشان ایالتیا- تکبر، غرور- آفریننده- پیشوند منفی
۱۰- نوعی موشک- تفریق- خیابان
۱۱- فتنه، بدی- معمول و مرسوم- از آرای دادگاه
۱۲- نام ستارهای در صورت مراباالسلسه- اسلوب- میل و مراد
۱۳- جایی میان دوزخ و بهشت- بنیانگذار و رهبر حزب کمونیست- مسوی مجعد
۱۴- نامه رسمی دادگاه‌جهت ابلاغ به اشخاص- احمق- از مرتجعین
۱۵- اجتناب- شهرهای عرب- نام نهادهان

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

		۹	۶	۴	
	۳		۶		۲
			۸	۶	
		۷		۱	۵
			۵		۳
			۸	۷	
		۷			۹
		۳			۲

سودوکو ۱۴۲

حل سودوکو

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹

حل سودوکو

سودوکو ۴۹۲

حل سودوکو